



● عزت‌مرد

انقلاب که آغاز شد، سیل خروشان مردم، او را نیز که هنر خویش را در میادین ورزشی به کار می‌برد، به عرصه های خون و حماسه کشاند و با شجاعت و هوشیاری به ثبت لحظه های عزت و سرفرازی مردمی پرداخت که حیرت انگیزترین حماسه تاریخ معاصر را رقم زدند.

گفت و شنود شاهد یاران با قاسم محمدی

از نمابر تاریخی تاسوعا عکس گرفتیم...

نه، به تنها چیزی که فکر نمی‌کردم این چیزها بودند. آن روز مردم داشتند تظاهرات می‌کردند و من راحت نشسته بودم بالای مینی بوس و عکس می‌گرفتم. همیشه همین طور بود، هر ماشین مینی بوس و اتوبوسی که گیرمان می‌آمد سوار می‌شدیم که بتوانیم عکس بگیریم. خیلی حواسمان به چیزهای دیگر نبود. آیا در میان عکسهای شما عکسی هم شاخص شد؟ آن روزها نه، بولی زمان که گذشت و در سال شصت که آیت الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور شدند، یک روز صبح سحر رفتیم از ایشان عکس گرفتیم که خیلی عکس جالبی شد. ایشان روی یک موکت ساده با نهایت سادگی نشسته بودند. عکس که چاپ شد از دفترشان زنگ زدند و تشویق کردند. عکس شاخص من همان بود. روزهای انقلاب رقابت فشرده بود و همه عکاسها عکس می‌گرفتند. مثلا یک ساختمان نیمه کاره ای بود کنار میدان آزادی. همه عکاسها از این ساختمان عکس گرفتند. شما هم گرفتید؟

هر کس رد می‌شد، می‌گرفت. کیفیت عکسها فرق می‌کرد، بولی موضوعات تقریبا شبیه بودند. گاهی هم درگیربهای شدیدی بود که من بودم و بقیه نبودند یا بالعکس.

کدام درگیربهای؟ مثلا میدان حسن آباد، من بودم، بولی اکثر عکاسها رفته بودند جاهای دیگر.

مدرسه علوی هم رفتید؟ بله. عکس هم گرفتید؟ خیر. چرا؟

مجوز می‌خواستند. من هر جا ببینم گرفت و گیری هست و مانعی، خیلی اصرار نمی‌کنم و راحت می‌گذرم. آنجا می‌رفتم، بولی فقط برای دیدن امام یا برای چرخیدن در آن حیاط. به خصوص موقع غروب، خیلی می‌رفتم. بعضی از بچه‌های ورزشی آنجا بودند و مرا می‌شناختند و به واسطه وجود آنها می‌توانستم بروم، بولی عکس نگرفتم، منتهی بعدها که می‌رفتم جماران، پنج شش باری از امام عکس گرفتیم، مخصوصا موقعی که همراه ورزشکارها می‌رفتم.

آیا عکسهای شما در مجموعه ای هم چاپ شده؟ بله، زیاد چاپ شده. خیلی از نمایشگاهها هست که عکسهایمان را می‌گذارند و خودمان را هم خبر نمی‌کنند. وضعیت چاپ توی کتابها که از این هم مفصل تر، مخصوصا در کتابهای ورزشی که الی ماشاءالله از این کارها کرده اند و می‌کنند.

کدام عکس شما شاخص شد؟ ما همه عکسها را می‌بردیم واحد عکس و خودشان چاپ می‌کردند. شاید هزاران عکس گرفته باشم که در اکثر نشریات چاپ شده‌اند، بولی الان یادم نیست. شش هفت سال کار همین بود و در مطبوعات کار می‌کردم. در هر حال من از هیچکدام از عکسهائی که گرفته ام بدم نمی‌آید. در دوره انقلاب چند تایی چاپ شدند که راهبیمانی روز تاسوعا - عاشورا و اقامه نماز در میدان آزادی پس از آن را یادم هست.

چه چیزی را به یاد دارید؟ چه چیزی اول نماز بودند و من آن روز آنها را خیلیها بودند که صف اول نماز بودند که از رهبران انقلاب هستند. نمی‌شناختم، بولی بعدها فهمیدم که از رهبران انقلاب هستند. آن عکسی را که جمعیت دور میدان آزادی بودند، شما گرفتید؟ حالا که گفتید یادم آمد. بله من گرفتم. خدا بیامرز آیت الله طالقانی بامینی بوس آمدند. همین محمد رضا طالقانی که کشتی می‌گرفت

در سال شصت که آیت الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور شدند، یک روز صبح سحر رفتیم از ایشان عکس گرفتیم که خیلی عکس جالبی شد. ایشان روی یک موکت ساده با نهایت سادگی نشسته بودند. عکس که چاپ شد از دفترشان زنگ زدند و تشویق کردند.

، بالای مینی بوس بود. چشمش که من به افتاد، صدایم زد. زوروش هم زیاد بود. دست مرا گرفت و کشید بالای مینی بوس. از سر جیچون تا میدان آزادی با خیال راحت نشستیم آن بالا و عکس گرفتیم. وقتی هم که نماز شروع شد، از همان بالا هفت هشت تا عکس خوب گرفتیم که چاپ هم شدند. آیا در خلال عکاسی از رویدادهای انقلاب دچار دردسر و مشکلی هم شدید؟

چه سالی به دنیا آمده اید. چه شد که به عکاسی علاقمند شدید؟ متولد ۱۳۲۵ هستم. اوایل به نقاشی علاقه داشتم. خدمت سربازیم که تمام شد، در موسسه اطلاعات به عنوان عکاس شروع به کار کردم.

چه سالی؟ مدتی به شکل غیر رسمی کار می‌کردم، بعد در سال پنجاه و یک رسمی شدم.

بیشتر در چه زمینه هائی عکاسی می‌کردید؟ موقعی که استخدام شدم، در همه زمینه ها کار می‌کردم. اطلاعات سرویس عکس داشت و عکاسها در همه زمینه ها کار می‌کردند. از جمله در سرویسهای حوادث، ورزشی و امثالهم. همه باید چند سالی همه جا کار می‌کردند تا معلوم می‌شد که علاقه، استعداد و توانائی آنها در چه زمینه ای است و بعد همانجا مشغول کار می‌شدند. من به سرویس ورزشی رفتم و عکاس حرفه ای ورزش شدم و ادامه دادم تا الان.

پس شما زمینه اصلی فعالیتتان ورزش است؟ اصلا مرا به عنوان عکاس ورزشی می‌شناسند. من در درجه اول عکاس ورزشی بودم و در خلال آن کارهای دیگری مثل عکاسی برای تبلیغات و معماری هم می‌کردم، به خصوص در زمینه معماری زیاد کار کردم.

پس در انقلاب سیاسی شدید؟ سیاسی زیاد کار نکردم. ضرورت ایجاد می‌کرد، می‌رفتم. اولین عکاسی خاطره انگیزتان از رویدادهای انقلاب چه موقع بود؟ سال پنجاه و هفت بود. فکر می‌کنم اولین بار جلوی دانشگاه بود. اولین جرقه های انقلاب که زده شدند، روز و ساعتش یادم نیست.

چه شرایطی و چه خاطره ای بود؟ درگیری نیروهای نظامی بود و دانشجویها، همه التهاب داشتند. من چون دوربین همیشه همراهم بود یک چند تایی عکس گرفتیم. یادم می‌آید گاهی مسابقات ورزشی با تظاهرات همزمان می‌شد و من کار اصلیم را راهای مردم و به سراغ این جریانات می‌رفتم. هر چه رویدادها پر رنگ تر می‌شدند، طبیعتا ما بیشتر جذب این بخش می‌شدیم. شغلیمان هم ایجاد می‌کرد که باشیم، وقتی هم که مطبوعات اعتصاب کردند و ورزش هم تقریبا تعطیل شد، ما همگی آمدیم این طرف و در کل ماجراها و راهبیمانیها و تظاهرات و زد و خوردها و درگیربهای بودیم تا زمان انقلاب.

شاخص ترین رویداد انقلاب که از آن عکس و خاطره دارید، کدام است؟ فکر می‌کنم ورود امام بود.



● ۱-۲۶ بهمن ۵۷. میدان توپخانه.

۱۱۱





۱۱۱



۱۲۱

● ۱-۲. تاسوعای سال ۵۷، اقامه نماز جماعت در میدان آزادی به امامت مرحوم آیت‌الله طالقانی.

۱۱۱



۱۳۱



۱۲۱

● ۱-۲-۳-۴-۱۳ آبان ۵۷، مقابل دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف.

۱۴۱



۱۱۱



۱۲۱



۱۳۱

● ۱-۲-۳-۴-۲۱-۲۱-۵۷. جنگ مسلحانه مردم در خیابانها با بقایای گارد.

۱۳۱





۱۳۱



۱۳۲

- ۱- دی ماه ۵۷. یکی از تظاهرات.
- ۲- بهمن ۵۷. حضور تظاهر کنندگان در ساختمان نیمه کاره خیابان آزادی.
- ۳- ۱۲ بهمن ۵۷. حضور استقبال کنندگان امام در جاده بهشت زهرا.